

## سیاست گذاری فرهنگی مبتنی بر نقش قاعده نفی سبیل (با تأکید بر آراء امام خمینی علیه السلام)

محمد‌های همایون<sup>۱</sup> مجتبی جعفرزاده<sup>۲</sup> ابراهیم کیمیایی دوین<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با بررسی دقیق مفاهیم مرتبط با نفی سبیل کفار بر مؤمنان و همچنین مفاهیم علمی و دینی سیاست گذاری با هدف ارائه الگویی از سیاست گذاری فرهنگی متناسب با بستر انقلاب اسلامی با تکیه بر آرای امام خمینی علیه السلام انجام گرفت. این پژوهش بر مبنای روش شناسی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به مسئله پرداخته است. در دیدگاه امام خمینی علیه السلام، قاعده نفی سبیل افزون بر بُعد تشریحی، بر بُعد تکوینی نیز دلالت دارد و از این رو، موجب شکل گیری دو جنبه تکوینی و تشریحی در سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی شده که حکومت اسلامی و مردم باید به صورت توأمان مشارکت داشته باشند. با تحلیل و بررسی دیدگاه‌های ایشان مشخص شد که بُعد تشریحی برای نفی سبیل کفار در سیاست گذاری شامل دو جنبه ایجابی و سلبی است که در جنبه ایجابی، محور اصلی اقدامات حکومت اسلامی، نهادسازی، وحدت بخشی به سیاست‌های فرهنگی، فرهنگ سازی و فعالیت‌های فراملی؛ محور اقدامات مردم نیز انتخاب و پشتیبانی از قانونگذاران و مجریان صالح و امر به معروف برای گسترش اقدامات تربیتی و توسعه سیاست‌هایی است که از تسلط کفار جلوگیری کند؛ همچنین جنبه سلبی نیز با گفتمان سازی شکست ناپذیری اسلام و دشمن شناسی از سوی حکومت اسلامی و نهی از منکر از سوی مردم، برای ایجاد و گسترش استقلال متمرکز است. نتیجه سیاست گذاری فرهنگی صحیح در بُعد تشریحی باید رفع موانع برای تحقق بُعد تکوینی شود که به سبب تحقق بُعد تکوینی نفی سبیل در سیاست گذاری، نصرت الهی و پیروزی نهایی تحقق می‌یابد که چرخه‌ای ایجاد می‌کند و باعث تقویت سیاست‌های بُعد تشریحی نیز می‌شود.

### واژگان کلیدی

سیاست گذاری، سیاست گذاری فرهنگی، نفی سبیل، امام خمینی علیه السلام

۱. استاد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام، Homayoon@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری سیاست گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق علیه السلام، mojabafarzadeh@isu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۳. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ebikimi183@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹

## ۱. مقدمه

براساس آموزه‌های دین مقدس اسلام، همه ارکان جهان هستی براساس حکمت و اندیشه ذات اقدس الهی خلق شده و هدف از این خلقت، ایجاد معرفت و تعالی در نوع بشر و رسیدن به ذات خداوند متعالی است. در راستای رساندن انسان به این اهداف متعالی، پروردگار عالم پیامبران علیهم‌السلام را از میان خود انسان‌ها برگزید تا راهنمای دستیابی آنان به اهداف متعالیشان شوند.

دین مقدس اسلام برای جهت‌دهی جامعه اسلامی - چه در زمان حضور معصومان علیهم‌السلام و چه در زمان غیبت - مبانی و اصولی را وضع کرده است که هدایت جامعه مؤمنان را تقویت و تثبیت کند و اجازه ندهد تا این جامعه از مسیر هدایت که خداوند برای مؤمنان ایجاد کرده، خارج شود تا در نهایت به هدف غایی این جهان دست یابند.

از جمله مهم‌ترین اصول، جلوگیری و نفی تسلط کفار بر مؤمنان و جامعه آنهاست که در همه منابع اسلامی اعم از قرآن، سنت، عقل و اجماع به صورت مستقیم و غیرمستقیم بدان اشاره شده است. اما به نوعی مهم‌ترین و مشهورترین آنها آیه ۱۴۱ سوره نساء وَلَمَنْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا است که به طور قطع تسلط کفار بر مؤمنان را نفی و نهی می‌کند.

در میان فقهای اسلامی، امام خمینی علیه‌السلام در آثار و اقدامات خود در عرصه حکومت، بیشترین توجه را بدین اصل مبذول داشته و ضمن برشمردن آن به عنوان یکی از قواعد فقهی در استنباط آموزه‌های سیاسی اسلام، آنرا از جنبه سلبی و ایجابی مورد توجه قرار می‌دهد. جنبه سلبی این قاعده، نفی ظلم و ستم و استبداد و استعمار برای حفظ استقلال و نفی وابستگی می‌باشد و جنبه ایجابی آن نیز حفظ نظام اسلامی و ارتقای منزلت جمهوری اسلامی نزد مسلمانان و مستضعفان جهان است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین امام خمینی علیه‌السلام دیدگاه متفاوتی نسبت به بسیاری از فقها به قاعده نفی سبیل دارند، به طوری که وضع آنرا افزون بر بُعد تشریحی، بر بُعد تکوینی عالم نیز می‌دانند (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱).

گرچه خداوند متعال با وضع مبانی و اصول مورد نیاز جامعه مؤمنان به وسیله معصومان علیهم‌السلام، چارچوب‌های لازم برای هدایت را ارائه کرده اما از برخی آیات شریفه قرآن کریم همچون وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ

الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ مردان و زنان باایمان، ولیّ یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به‌زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است (توبه، ۷۱). چنین برمی‌آید که خداوند وظیفه نظام‌سازی برای کاربست مبانی و اصول اسلامی را بر دوش مؤمنان قرار داده است. در عین حال از اصلی‌ترین پایه‌های نظام‌سازی برای یک جامعه، چگونگی سیاست‌گذاری برای آن نظام است (تابان و همکاران، ۱۳۹۵).

امام خمینی<sup>ع</sup> فرهنگ را مبنا و پایه‌ای برای همه مسائل اعم از سیاسی و اقتصادی می‌دانند. از نظر ایشان، در مباحث مربوط به جمهوری اسلامی ایران، از هر کجا و هر موضوعی آغاز کنیم، به‌ناچار به بحث فرهنگ کشیده می‌شویم. از این‌رو، مهم‌ترین رکن در سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی مربوط به سیاست‌گذاری فرهنگی است (ر.ک: خان‌محمدی، ۱۳۸۶).

۷۳

از دیدگاه ایشان، گرچه دولت در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نقش مؤثری دارد، اما این نقش در تعامل با مردم صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر در منظومه فکری امام<sup>ع</sup>، مردم در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و حوزه فرهنگ عمومی، نقشی فعال ایفا می‌کنند و سیاست‌گذاری فرهنگی حاصل تعامل دولت و ملت است (ر.ک: امام خمینی<sup>ع</sup>، ۱۳۸۴).

به‌طور کلی تحقیقات متنوعی در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکردهای دینی انجام شده است، جمشیدی‌ها (۱۳۸۷) بر سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر اسلام<sup>ص</sup> و تأثیر آن بر موقعیت فرهنگی اجتماعی زنان در زیست‌جهلی در جزیره‌العرب تمرکز کرده و دریافته‌اند که ایشان با گزاره‌های گفتمانی مختلف مبتنی بر قرآن توانسته‌اند موقعیت فرهنگی - اجتماعی زنان را بهبود بخشند. همچنین مصلاهی‌پور (۱۳۹۴) نیز به تبیین سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر قرآن کریم با تأکید بر آیات مربوط به حضرت موسی<sup>ع</sup> و بنی‌اسرائیل پرداخته و بیان کرده که مبارزه با مادی‌گرایی و ارزش‌های غیرالهی، استقلال و آزادی، اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط و امید بخشیدن و ترسیم آینده‌ای روشن از مهم‌ترین اصول سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر قرآن است.

تعدادی از پژوهش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی نیز با تأکید بر سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران بوده است. خان‌محمدی (۱۳۸۶) به بررسی نقش دولت در سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی<sup>ع</sup> پرداخته و به نسبت مؤلفه‌هایی همچون

خودباوری، قانون‌گرایی، نقش مردم و حدود دخالت دولت با سیاست‌گذاری فرهنگی از زاویه نگاه امام خمینی علیه السلام می‌پردازد. همچنین مقتدایی و ازغندی (۱۳۹۵) نیز به آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و یافته‌های آنها حاکی از آن است که مشکلات عدیده‌ای در بخش‌های مربوط به مطالعات نظری و شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی سیاست‌گذاری در ایران وجود دارد.

در عین حال پژوهش‌هایی نیز از سوی اندیشمندان اسلامی در رابطه با قاعده نفی‌سبیل (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۵؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۳؛ شکاری و همکاران، ۱۳۹۶؛ رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱؛ شایق و همکاران، ۱۳۹۰) انجام گرفته است و اغلب این پژوهش‌ها یا صرفاً به بررسی جایگاه این قاعده در نظام فقهی و حقوقی اسلام پرداخته یا به جایگاه این قاعده در سیاست خارجی تمرکز کرده‌اند.

با توجه به اینکه در رابطه با کاربرد قاعده نفی‌سبیل در سیاست‌گذاری فرهنگی، هیچ پژوهشی ارائه نشده، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ بدین پرسش است که با توجه به دیدگاه امام خمینی علیه السلام نسبت به جایگاه قاعده نفی‌سبیل، این قاعده چه جایگاهی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران دارد و چه قالبی برای سیاست‌گذاری فرهنگی ایجاد می‌کند.

از این رو، پژوهش حاضر بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش و روش جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

در ادامه، ابتدا به بررسی مفاهیم مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی پرداخته و پس از آن، با توضیح قاعده نفی‌سبیل، به طور مفصل به رویکرد امام خمینی علیه السلام نسبت به تکوینی و تشریحی بودن این قاعده پرداخته و در نهایت الگویی برای سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر رویکرد امام خمینی علیه السلام به قاعده نفی‌سبیل ارائه می‌گردد.

## ۲. بدنه اصلی مقاله

### ۱-۲. سیاست‌گذاری فرهنگی: کلیات و مفاهیم مرتبط

#### ۱-۲-۱. سیاست و سیاست‌گذاری

سیاست مفهومی پیچیده است که در عین اینکه برای اغلب افراد قابل فهم است، اما

ابهام‌های زیادی در تعریف آن وجود دارد. ابن‌منظور، سیاست را از ریشه (س و س) و به معنای اصلاح مردم از طریق راهنمایی و ارشادشان به راه‌هایی بخش در دنیا و آخرت می‌داند<sup>۱</sup> (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: س و س).

در مفاهیم غربی، سیاست<sup>۲</sup> از کلمه پلیس<sup>۳</sup> گرفته شده است و بیانگر مفهوم اداره و تدبیر امور و در دامنه قدرت، قدرت سیاسی یا دولت می‌چرخد (دولین و پوتیر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶). در نگاه اندیشمندان مسلمان همچون فارابی (فارابی، ۱۹۹۵: ۴۶) و غزالی (غزالی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۵۵)، سیاست همواره با مفهوم فضیلت همراه است و به نوعی راه رساندن انسان به سعادت حقیقی است و افزون‌بر آگاهی و حکمت با معنویت و امر متعالی همراه بوده و سوگیری به طرف سعادت اخروی دارد.

علم سیاست امروز از لحاظ فلسفی، تکامل نوع بشر را در رسیدن به نقطه‌ای در تاریخ می‌داند که انسان بتواند آینده خود را شکل دهد یا به وسیله نتایج نامطلوب، از طریق عدم توانایی‌اش در انجام چنین کاری نابود می‌شود. بنابراین کیفیت سیاست‌گذاری و سرنوشت انسان به طور مستقیم درون یکدیگر نهفته است (کرون<sup>۵</sup>، ۱۹۸۰: ۲۴).

تمایز قائل شدن میان مطالعه سیاست‌گذاری از سیاست دشوار است. هیچ سیاستی بدون سیاست‌گذاری نمی‌تواند وجود داشته باشد. بعضی‌ها در تعریف و تحلیل مفهوم «سیاست‌گذاری» مانند «سیاست» معتقدند این مفهوم نیز فرض‌ها و مفاهیم ضد و نقیض دارد، از این‌رو، تعاریف متعددی از سیاست‌گذاری وجود دارد؛ پتر و پیر<sup>۶</sup> معتقدند سیاست‌گذاری، حاصل تعامل پیچیده بین افراد، نهادها، ایده‌ها و منافع است (پتر و پیر، ۲۰۰۶: ۶). اندرسون (۱۳۸۵) سیاست‌گذاری را مجموعه اقدامات هدفمندی که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود، تعریف کرده است. در تعریفی دیگر، سیاست‌گذاری به معنای ایجاد یک فضا برای حرکت

۱. استصلاح الخلق بارشادهم إلى الطريق المنجی فی العاجل أو الآجل.

2. Policy.
3. Polis.
4. Devlin & Pothier.
5. Krone.
6. Peters & Pierre.

عوامل مختلف جامعه اعم از سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به سمت وضعیت مطلوب از منظر سیاست‌گذار است (McConnell, 2010).

همچنین صاحب‌نظران در تعریف منابع مؤثر در سیاست‌گذاری، به مواردی از قبیل (۱) قدرت قانونی رسمی برای تصمیم‌گیری؛ (۲) افکار عمومی؛ (۳) اطلاعات؛ (۴) نیروهای قابل بسیج؛ (۵) منابع مالی؛ (۶) رهبری خبره و ماهر اشاره می‌کنند (Sabatier & Weible, 2005).

## ۲-۲-۲. سیاست‌گذاری در اسلام و جمهوری اسلامی

در اسلام، بدنه اصلی مفاهیم سیاست‌گذاری‌ها از طریق نقل و عقل سلیم به سیاست‌گذاران منتقل گردیده و براساس مصالح دین و مردم، سیاست‌گذاری‌ها مشخص و قانون وضع می‌گردد. همچنین بخش قابل توجهی از مهارت‌ها در سیاست‌گذاری از طریق سیره معصومان علیهم‌السلام به جامعه مؤمنان منتقل شده اما هنر چگونگی پیاده‌سازی و اجرای این سیاست‌ها، از طریق مؤمنان در جامعه اسلامی تحقق می‌یابد.

آیت‌الله مصباح یزدی در تعریف سیاست‌گذاری بیان می‌کند که سیاست‌گذاری، خطوط عریضه‌ای است که چارچوب‌های کلی را ترسیم می‌کند و برنامه‌ریزی‌های اجرایی در قالب آن خطوط عریض، طراحی و سپس اجرا می‌شود. این خطوط عریض را به چند بخش تقسیم می‌کنند و گاهی به صورت کلی به آن سیاست‌گذاری می‌گویند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰).

بیشتر جوامع در عمل، اهمیت اصلی را به اقتصاد می‌دهند و سایر چیزها را در خدمت اقتصاد می‌دانند، و اگر برای سایر نهادها نوعی اصالت قائل شوند در درجه دوم است، بنابراین هویت جوامع موجود دنیا به نوعی هویتی اقتصادی است. از این‌رو، محور همه ائتلاف‌هایی که بین کشورها یا اتحادیه‌ها تشکیل می‌شود در درجه اول، مسئله اقتصاد و سپس مسئله نظامی است. ائتلاف‌های نظامی نیز برای حفظ منافع اقتصادی بوده و اینکه بتوانند در برابر دشمنان، پیشرفت اقتصادی را تأمین و از ضررها جلوگیری کنند اما می‌توان گفت پیدایش انقلاب اسلامی ایران، ایده دیگری را مطرح کرد و آن، اهمیت بیشتر نهاد فرهنگی - آن هم فرهنگ خاص که همان فرهنگ اسلامی است - نسبت به نهادهای اجتماعی دیگر است. در واقع نظریه انقلاب اسلامی ایران بر این اصل مبتنی است که اصل همه فعالیت‌های انسانی، فرهنگ است؛ فرهنگ است که به جامعه انسانی از آن جهت که انسانند هویت می‌بخشد. از این‌رو، می‌توان گفت سیاست‌گذاری در ایران اسلامی برخلاف

دیگر کشورها با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، بر محور فرهنگ است و نه بر محور اقتصاد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰)؛ از این‌رو، اولویت اساسی برای سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی، سیاست‌گذاری فرهنگی است.

### ۲-۲-۳. سیاست‌گذاری فرهنگی

فرهنگ اصلی‌ترین رکن سیاست‌گذاری فرهنگی بوده و از این‌رو، مهم‌ترین گام برای ورود به این بحث، شناخت فرهنگ است. سیر تاریخی تکامل تعریف واژه فرهنگ که به قول ریموند ویلیامز، اندیشمند نامدار انگلیسی، جزو دو سه کلمه‌ای در زبان انگلیسی است که پیچیده‌ترین معنا را دارد (گوردون، ۱۳۸۳: ۹۹)، را به استناد مطالعات متعدد پژوهشگران این حوزه - از جمله: کوش، ۱۳۸۱ و ابوالقاسمی، ۱۳۸۵ - می‌توان بررسی کرد.

فرهنگ، مقوله‌ای سیال و در جریان است که از یک سو به نحوه عمل عاملان اجتماعی شکل می‌دهد و از سوی دیگر به واسطه عمل همین عاملان، تداوم و توأم با آن، تغییر می‌یابد. اما برخورد فرهنگ با مقوله سیاست‌گذاری، آنرا از سیالیت خارج کرده و صورت تعیین‌یافته‌ای به آن می‌بخشد. در واقع، در سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاران نه بر مبنای یک فرهنگ سیال و متغیر، بلکه بر مبنای فرهنگ تجسد یافته و تعیین‌یافته‌ای عمل می‌کنند که جهت‌گیری خاصی دارد و آنها به دنبال نگهداشت یا تداوم آن هستند (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۷).

در طول تاریخ، همه حکومت‌ها معتقد به تعریف وضعیت فرهنگی مطلوب خود در جوامع تحت سلطه‌شان و تحقق رفتارهای اجتماعی خاص متناسب با ارزش‌های سیاسی و مذهبی‌شان بوده‌اند و این بدین معناست که زیست‌جهان‌های انسانی از گذشته، سیاست‌گذاری فرهنگی ضمنی یا صریح برای خود داشته‌اند. بر این اساس، سیاست‌گذاری فرهنگی، مقوله‌ای مدرن نیست و هر جامعه‌ای، وجهی از آنرا در خود داشته و برای خود وضعیت مطلوب فرهنگی را ترسیم می‌کرده و عموماً دولت‌ها و متولیان امور مذهبی را مکلف به تحقق آن وضعیت مطلوب می‌نموده است (ر.ک: جمشیدی‌ها، ۱۳۸۷).

سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل‌سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را دربرمی‌گیرد. به عبارتی، سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و

متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود. سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند در جهت حفظ وضعیت فرهنگی موجود و به عبارتی، ایستا باشد یا اینکه در جهت دگرگونی وضع موجود و تلاش برای تغییر باشد (اصول سیاست فرهنگی ج. ۱، ۱۳۷۱: ۲). همچنین در مورد دخالت دولت در سیاست‌گذاری فرهنگی نیز بین اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد و عده‌ای دخالت حداقلی و عده‌ای دیگر، دخالت حداکثری دولت را در سیاست‌گذاری مطرح می‌کنند (ر.ک: همایون، ۱۳۸۷؛ وحدتی، ۱۳۹۵: ۲۷۹-۲۸۱).

## ۲-۲. قاعده فقهی نفی سبیل

قواعد فقهی، جایگاه ارزشمندی در پژوهش‌های فقهی و حقوقی دارند. این قواعد همانند قواعد اصولی در کبرای استنباط مسائل شرعی قرار می‌گیرند و نقش مهمی در فرایند استخراج حکم شرعی دارند (رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱). در واقع این قواعد، آن دسته از احکام کلی هستند که در ابواب گوناگون فقه جریان دارند و منشأ استنباط احکام جزئی‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۳)، و به نوعی فرمول‌هایی کلی به‌شمار می‌روند که با استفاده از آنها، می‌توان قوانین محدودتر را درک کرد. این قواعد، صرفاً به یک مورد خاص تعلق ندارند بلکه اساس فهم و درک بسیاری از قوانین قرار می‌گیرند.

از جمله مهم‌ترین قواعد فقهی، نفی سبیل است. این قاعده، جایگاه مهمی در فقه شیعه دارد و نقش پایه‌ای در حفظ استقلال و مسلمین و جامعه اسلامی در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. براساس این قاعده، خداوند در قوانین و شریعت اسلام، هیچ‌گونه راهی را برای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین باز نگذاشته است. این قاعده به‌عنوان یک اصل فقهی و برخاسته از اندیشه سیاسی اسلام، تأثیر مهمی بر سیاست‌های اسلامی در عرصه‌های مختلف از قبیل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی دارد چراکه شرایطی را ایجاد می‌کند که کفار در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند شرعاً بر سرنوشت مسلمانان مسلط باشند (ر.ک: علیدوست، ۱۳۸۳).

در حجیت این قاعده در میان صاحب‌نظران اختلافی وجود ندارد و دلیل این امر هم اخبار آن در منابع مختلف از جمله قرآن، سنت، اجماع و عقل است (ر.ک: علیدوست، ۱۳۸۳). مهم‌ترین مستند این قاعده، آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء است که می‌فرماید:



الَّذِينَ يَرَبُّونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ  
لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ  
بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ کسانی که  
همواره مواظب شما هستند، پس اگر از جانب خدا فتحی نصیبتان شود،  
می‌گویند: مگر ما همراه شما نبودیم؟ و اگر پیروزی نصیب کافران شود،  
می‌گویند: آیا چنان نبود که بر شما غلبه یافته بودیم و مؤمنان را از آسیب  
رساندن به شما بازداشتیم؟ در روز قیامت خدا میان شما حکم می‌کند و او  
هرگز برای کافران به زیان مسلمانان راهی نگشوده است.

اهمیت این آیه در استنباط این قاعده، چنان است که الفاضلی که فقها برای تعبیر از این  
قاعده به کار می‌برند برگرفته از واژه‌های این آیه است.

#### ۲-۱-۲. مفردات آیه نفی سبیل

تمرکز بیشتر فقها در استنباط از این قاعده بر بخش وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ  
سَبِيلًا است. از این رو، ضرورت دارد تا برای تبیین مراد آیه برای پژوهش حاضر، به بررسی  
دقیق واژه‌های کلیدی این آیه بپردازیم:

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ: در هر زبان، کلماتی برای بیان معنای نفی در حالات مختلف وضع گردیده  
است. در زبان و ادبیات عرب نیز کلمه «لن» برای بیان معنای نفی در استقبال است  
(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۳۹۲). برخی نیز آنرا به معنای تأکید در نفی برای ابد دانسته‌اند؛  
مشابه کلمه «هرگز» در زبان فارسی، یعنی خداوند هرگز چنین چیزی را جعل نخواهد نمود  
و عده‌ای نیز از آن برداشت معنای نهی کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۲: ۱۹۴).

لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: نکات ذیل برآیند دقت در این فقره از آیه شریفه است:  
نخست: به دلیل اینکه «الکافِرین» و «المؤمنین» هر دو جمع‌اند و با الف و لام همراه  
شده‌اند، بر عموم دلالت دارند؛ یعنی این سلطه از سوی عموم کافران نسبت به عموم  
مسلمانان نفی گردیده است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۱۶ق: ۲۳۸)

دوم: کلمه «لام» که به معنی استحقاق، اختصاص، ملک، و تملیک است (قرشی،  
۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۷۴) در کنار کلمه «کافِرین» قرار گرفته و کلمه «علی» که به معنی استعلا  
و برتری است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ۷۸) در کنار کلمه «المؤمنین» جای داده شده  
است. این عبارت منحصر در سلطه‌ای است که به نفع کافران و علیه مؤمنان جعل گردد.

سوم: چون حکم عدم جعل سبیل به کسانی متعلق گردیده که دارای وصف کفرند (الکافرین)، بر طبق قاعده اصولی «تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیت است»، می‌توان چنین برداشت کرد که کافران با وصف کفرشان، سلطه‌ای بر مؤمنان با وصف ایمان ندارند؛ یعنی منشأ نفی سلطه، کفر ایشان است. با وجود این، اگر فرد کافر وصف دیگری داشته باشد، ممکن است دارای حق و سلطه بر مسلمان گردد. از این‌رو، سیدمرتضی معتقد است منافاتی نیست در اینکه کافر به دلیل برخورداری از عنوانی مستحق قردادانی شود و به دلیل کفرش مستحق سرزنش باشد؛ هرچند این شکرگزاری موجب تعظیم او گردد (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۳۷۴ به نقل از احمدوند و همکاران، ۱۳۹۵).

سبباً: مهم‌ترین بخش در این آیه، مقصود از واژه «سبباً» است که به تناسب اختلاف در معنای این واژه، برداشت‌های مختلفی نسبت به این قاعده ایجاد شده است؛ احتمال‌های مختلفی در باب معنای سبیل بیان شده است که هر یک از این احتمال‌ها، علل اصلی اختلاف در کاربرد این قاعده را ایجاد کرده است. امام خمینی<sup>ع</sup> به پنج احتمال مطرح در کتب تفسیری و غیرتفسیری اشاره می‌کنند و معتقدند این احتمال‌ها با قطع نظر از صدر آیه، مطرح شده است (امام خمینی<sup>ع</sup>، ۱۴۲۱ق: ۷۲۱)؛ این احتمال‌ها بدین قرار است (به نقل از رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱):

۱. **نصر:** برخی مفسران با پذیرش این انگاره، تأکید می‌کنند اگرچه ممکن است که در این دنیا، مؤمنان مبتلا به غلبه و برتری کفار شوند ولی این از باب آزمایش و امتحان است و پیروزی نهایی به یاری خداوند از آن مؤمنان است البته به شرط اخلاص و ایمان واقعی (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸: ۲۶۶).

۲. **حجت در دنیا:** فاضل جواد قول به برتری حجت مسلمان در دنیا را در ذیل آیه به اکثر مفسرین نسبت می‌دهد (فاضل جواد، ۱۳۶۵، ج ۳: ۵۳). برخی مفسرین نیز با اشاره به برخی موارد که کافران بر مؤمنان و مسلمانان غلبه داشته‌اند، انگاره حجت را می‌پذیرند (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۱۹).

۳. **حجت در آخرت:** برخی به دلیل عطف این فقره به فقره **اللَّهُ يُحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** (حج، ۶۹)، این احتمال را مطرح کرده و آنرا به امیرمؤمنان علی<sup>ع</sup> و ابن عباس نسبت می‌دهند (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ذیل آیه)؛ برخی ادعا می‌کنند که همه اهل تأویل به تبع علی<sup>ع</sup> به این قول معتقدند (ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ذیل آیه).

۴. **سلطه اعتباری:** عده‌ای از مفسرین که اکثراً شیعه هستند این احتمال را ذیل آیه مطرح کرده‌اند که مؤمنان سلطه اعتباری دارند و این قاعده دلالت بر تشریح دارد (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۱۸)؛ شایان توجه است کسانی که آیه مورد بحث را سند قاعده نفی سبیل می‌دانند، هم اصحاب این اندیشه‌اند. برخی مفسرین تأکید می‌کنند که اگر سبیل به دیگر معانی باشد کسانی که برخی فروع فقہی را به استناد این آیه طرح کرده‌اند، مستندی ندارند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ذیل آیه).

۵. **سلطه خارجی:** برخی مفسرین این احتمال را البته مادامی که مسلمانان ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، مطرح کرده‌اند و به شرط مطرح در وعده قرآنی **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (آل عمران، ۱۳۹) نیز برای این آیه استناد می‌کنند (قطب، ۱۴۱۲ق: ذیل آیه).

#### ۲-۲-۲. تشریحی و تکوینی بودن قاعده نفی سبیل

مشهور فقیهان از این قاعده، همچون قاعده «لا ضرر» و «لا حرج» جنبه سلبی و کنترل‌کنندگی نسبت به سایر احکام و قواعد فقہی برداشت کرده‌اند. هم‌چنان که در قاعده لا ضرر، مشهور بر آن است که احکام ضرری از سوی شارع مقدس جعل نشده است (شیخ صدوق، ۱۹۱۳ق: ۳۳۶). در قاعده نفی سبیل نیز برآنند که در روابط میان مسلمان و کافر، هیچ حکم یا قاعده‌ای که در بردارنده هر نوع سلطه، تسلط و امتیازی برای کافر نسبت به مسلمان باشد، شرعاً جعل نشده است و از ظاهر آیه برداشت کرده‌اند که مراد از این قاعده جعل، تشریحی است نه تکوینی (بجنوردی، ۱۴۲۶ق: ۱۸۸).

امام خمینی<sup>ع</sup> معتقدند که سبیل در این آیه کریمه، مردد بین معانی مختلف نیست و ضمن دلالت بر معنای طریق، بر مطلق طرق تکوینی و تشریحی دلالت دارد و خداوند متعال در تکوین و تشریح، برای کافران راهی برای سلطه بر مؤمنان قرار نداده است (امام خمینی<sup>ع</sup>، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۷۲۳-۷۲۱)؛ در پاسخ به امام<sup>ع</sup> ممکن است گفته شود در بعضی از روایات، آیه به معنایی خلاف معنای اعم تفسیر شده است؛ از جمله در روایتی به نفی سبیل کافران بر مؤمنان در روز قیامت تفسیر شده است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۴۲-۲۴۳ به نقل از هاشمی، ۱۳۹۴) و در روایتی دیگر به غلبه در حجت، تفسیر شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۹۲).

البته اگرچه این روایات ضعف سند دارند ولی استدلال بر شمول، به اطلاق نفی سبیل و عدم تخصیص وارد به مورد هم بدون اشکال نیست؛ توضیح آنکه در نظر گرفتن صدر و ذیل آیه و آیات مابعد و ماقبل آن و در یک بیان، فضای آیه اجازه شکل‌گیری شمول و اطلاق را به راحتی نمی‌دهد تا بشود به آن تمسک کرد (ر.ک: رضایی و هاشمی، ۱۳۹۱).

با این بیان به نظر می‌رسد که این آیه، دلالتی بر مدعای مستدلان به این آیه ندارد و مشکل باهم‌ندیدن گزاره‌های قرآنی، سبب چنین اشتباهی شده است؛ توضیح آنکه از جمله آسیب‌هایی که معمولاً در پژوهش‌های دینی ما را تهدید می‌کند این است که با تقطیع و استناد به قسمتی از یک نص، که باید به صورت یک کل واحد دیده شود سعی در به سامان رساندن فرایند پژوهش می‌شود، و برآیند این نگاه که کل‌نگری را کنار گذاشته، تحمیل برداشت‌های شخصی به نصوص دینی است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۴).

به‌طور خلاصه از نظر امام خمینی<sup>ع</sup> بعید نیست که مراد از نفی جعل سبیل بر مؤمنین، نفی سبیل به‌طور مطلق باشد، چه در تکوین و چه در تشریح. البته تفسیر ایشان از سبیل تکوینی و تشریحی متفاوت از تفسیر دیگران است.

ایشان در مورد سبیل تکوینی می‌فرماید: خداوند امکانات مشترکی چون عقل، قدرت و مانند آن، در اختیار همه بشر، اعم از مسلمان و کافر قرار داده است با این فرق که مسلمانان علاوه بر برخورداری از امکانات مشترک، به وسیله ملائکه، امدادهای غیبی و مانند آن نیز کمک می‌شوند (امام خمینی<sup>ع</sup>، ۱۴۲۱ق: ۷۲۰-۷۲۵).

چنانچه خداوند در آیه ۲۵ سوره توبه می‌فرماید: لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ؛ خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد.

همچنین در آیه ۱۲۵ سوره آل عمران فرموده‌اند: يُمِدُّكُم رُبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ السَّمَلَاتِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛ خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، مدد خواهد داد.

همچنین با وعده نصرت موجب تقویت روحیه و اعتماد به نفس در مسلمان شده است که خود از مهم‌ترین اسباب پیروزی است. مانند آیاتی از قبیل: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ؛ چون یاری خدا و پیروزی فراز آید (نصر، ۱۰). نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ نصرتی است از جانب خداوند و فتحی نزدیک و مؤمنان را بشارت ده (صف، ۱۳).

اما خداوند هیچ امتیازی به کفار نداده و به هیچ‌یک از این راه‌ها، به کفار مدد نرسانیده

است. بنابراین نه تنها سبیلی به نفع کفار علیه مؤمنان در تکوین جعل نشده، بلکه به عکس، به طرق مختلف مؤمنان بر کفار سبیل و سلطه یافته‌اند (ر.ک: سیمایی صراف، ۱۳۷۹). حضرت امام علیه السلام در ادامه، سبیل تشریحی را به «ولایت» تفسیر کرده‌اند و می‌گویند: خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس ائمه علیهم السلام و پس از آنها فقها، ولایت بر مردم جعل کرده است. در حالی که کفار از چنین حقی محرومند و همچنین اطلاق آیه اقتضا می‌کند که حجت مؤمنان یعنی همان منطق و برهان ایشان نیز بر منطق کافران غالب بوده و سلطه داشته باشد (امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۱ق: ۷۲۰-۷۲۵ به نقل از سیمایی صراف، ۱۳۷۹).

برای تبیین این نکته که چرا از منظر امام خمینی علیه السلام، مبتنی بر قاعده نفی سبیل امکان تسلط کفار بر مؤمنان چه در نظام تکوینی و چه تشریحی وجود ندارد، شایسته است تا به رابطه نظام تکوینی و تشریحی بپردازیم؛ این نوع نگاه امام خمینی علیه السلام به قاعده نفی سبیل، ریشه در جامعیت نگاه دینی ایشان در فلسفه، عرفان و فقه دارد؛ چراکه نظام تشریحی، اموری اعتباری شامل مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها که در ظرف اجتماع و زندگی موجود هستند؛ حال آنکه نظام تکوینی اموری حقیقی‌اند. امور اعتباری برخلاف امور حقیقی، واقع، مطابق و مابهازا در خارج ندارند. تمامی معانی مربوط به انسان و ارتباطهایی که بین خود این معانی وجود دارد از جمله احکام و دستورات، اموری اعتباری هستند (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۵۹)؛ از این رو، دین نیز که دستورات و احکامی از جانب شرع است، اموری اعتباری‌اند. از سوی دیگر، هر امر اعتباری تکیه به یک امر حقیقی و تکوینی دارد یعنی امور اعتباری دارای ریشه تکوینی هستند یا به دیگر سخن تشریح بر پایه تکوین بنا شده است (حسنی، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۵).

با بیان این مطالب به نظر می‌رسد که دیدگاه فقهی امام علیه السلام نسبت به قاعده نفی سبیل نیز مشتق شده از این مبانی است که دین به عنوان امر تشریحی در عالم تشریح با فطرت به عنوان امر تکوینی در عالم تکوین تطابق دارد و هر آنچه در شرع وارد شده است ریشه‌ای در فطرت آدمی و عالم تکوین دارد و از دیگر لازمه‌ها این است که حقیقت ادیان در تطابق با تکوین واحد است، به عبارتی، حقیقت تشریح به عنوان نشان‌دهنده راه آدمی، یکی است (ر.ک: جوزی، ۱۳۹۳).

تبعات تفاوت نظر امام خمینی علیه السلام و سایر علما در باب این قاعده را می‌توان در مقایسه با

نظرات دیگر علما نیز جست‌وجو کرد؛ به‌عنوان مثال، قاعده نفی سبیل در آثار فقهی مرحوم سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی<sup>۱۱</sup>، صاحب عروه نیز به‌نحو نمایانی تجلی یافته است و ایشان افزون بر استنباط احکام در فقه فردی، در مسائل فقه سیاسی - اجتماعی نیز از این قاعده بهره جست‌ه‌اند. هم‌چنان که رویه ایشان در امور سیاسی همانند دیگر علما بر استقلال و جهاد مسلمانان در برابر سلطه و تجاوز کفار است، ایشان قاعده نفی سبیل را در فقه اقتصادی نیز دارای مدخلیت می‌داند و بدین صورت استدلال می‌کند که وابستگی‌های اقتصادی مسلمانان به کفار، زمینه‌ساز سلطه و غلبه سیاسی کفار بر مسلمانان است، در نتیجه برای تحقق و عملی شدن قاعده نفی سبیل، رونق تولید داخلی، استفاده از کالاهای ساخته دست مسلمان و تحریم کالاهای فرنگی ضرورت می‌یابد (ابوالحسنی (منذر)، ۱۳۱۷ق: ۶۲۶-۶۲۴).

گرچه در نگاه صاحب عروه، گسترش شمول این قاعده به جنبه‌های اقتصادی در کنار جنبه‌های سیاسی از نوآوری‌های بهره‌بردار از قاعده نفی سبیل به‌شمار می‌رود، اما در سیره و اندیشه ایشان، اهمیتی بر تحقق این قاعده از منظر فرهنگی دیده نمی‌شود. همچنین در اندیشه وی، برخلاف نظر امام خمینی<sup>۱۲</sup> نظر و اتکا بر شمول بُعد تکوینی قاعده نفی سبیل مغفول مانده است (ابوالحسنی (منذر)، ۱۳۱۷ق: ۶۰۱-۶۳۰).

شمول قاعده نفی سبیل	بعد فرهنگی	بعد اقتصادی	بعد سیاسی/نظامی
امام خمینی <sup>۱۱</sup>	دارد	دارد	دارد
مرحوم صاحب عروه	ندارد	دارد	دارد

جدول ۱- مقایسه نظرات امام خمینی<sup>۱۲</sup> و مرحوم صاحب عروه درباره قاعده نفی سبیل

افزون بر مرحوم صاحب عروه، در آثار اغلب علما و فقهای شیعی، قاعده نفی سبیل منحصراً دلالت بر بُعد تشریحی دارد (بجنوردی، ۱۴۲۰ق، ۱۷۹-۱۹۱؛ انصاری، ۱۴۱۰ق: ۲۷۰-۲۷۸) و همچنین در آثار برخی علما، بیش از آنکه به ابعاد اجتماعی قاعده توجه گردد، به ابعاد فردی آن از قبیل ارث، نکاح و اجیر شدن مسلمین نسبت به کفار توجه شده است (موسوی خویی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ۵۴۰).

### ۳-۲. ثمره بحث پیوند تکوین و تشریح در نقش قاعده نفی سبیل در سیاست‌گذاری فرهنگی

در سیاست‌گذاری فرهنگی، افزون بر ضرورت تأکید بر نقش دولت، همه سیاست‌گذاری‌ها باید در تعامل با مردم جامعه باشد؛ حضرت امام<sup>ع</sup> در تمام برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌ها، خواستار حضور و مشارکت توأمان مردم و مسئولان بودند و فرموده‌اند: «همین مردم، همین پیرزن‌ها و پیرمرد‌ها و جوان‌ها و بچه‌ها، از این بن‌بست‌ها بیرون می‌آوردند این مملکت را...» (امام خمینی، ۱۳۷۶ ج ۱۴: ۳۷۶). به‌طور کامل واضح است که حضرت امام<sup>ع</sup> از ابتدای نهضت بر توده مردم تکیه داشتند و هرچه به پایان عمر امام نزدیک‌تر می‌شویم، می‌بینیم تکیه امام در همه برنامه‌های دولتی بر مشارکت مردم بیشتر می‌شود (ر.ک: خان‌محمدی، ۱۳۸۶).

البته نقش مشارکت مردم زمانی نمودار و میباید می‌گردد که این عدم سبیل و سلطه در دنیا و آخرت از سوی کفار، مادامی است که مؤمنان به لوازم ایمان خود ملتزم و مقید باشند (طباطبایی، ۱۴۲۷ق: ۱۱۶). هم‌چنان که آیه ۱۳۹ سوره آل‌عمران، بر این موضوع تأکید شده است: *وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ*؛ سستی نکنید و غمگین نباشید که شما برترید اگر مؤمن (واقعی) باشید.

درحقیقت، مواقعی که مسلمانان در برابر کفار شکست می‌خورند، چه در عرصه جنگ نظامی و چه فرهنگی یا اقتصادی، علت را باید در کم‌کاری، کاهلی و عدم انجام وظایف از سوی مسلمانان و دولت‌های اسلامی دانست؛ زیرا سنت خدا، ثابت و متقن است و اگر مسلمانان چنان که قرآن و اولیای دین فرمان می‌دهند عمل کنند، هیچ‌گاه مغلوب کفار نخواهند شد. به‌هرحال دلالت آیه شریفه بر قاعده مورد بحث، تمام است و هر حکم و عملی که موجب تسلط و نفوذ کفار بر مسلمانان شود، براساس این آیه، از نظر شریعت اسلامی، ممنوع است.

به همین دلیل است که حضرت امام<sup>ع</sup> معتقد بودند همه عرصه‌ها باید با مشارکت مردم اداره شوند. اگر مردم نباشند، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها شکست می‌خورند. از نظر ایشان هیچ‌کس نمی‌تواند برخلاف نظر ملت حرکت کند و می‌فرمودند: «اینجا آرای ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد و این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (امام‌خمینی<sup>ع</sup>،

۱۳۷۸: ۱۶۵)؛ از این رو، ضرورت دارد تا نقش مردم در کنار حکومت به‌عنوان عنصر فعال در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی شناسایی شود.

در عین حال از آغاز خلقت، مؤمنان تحت هدایت تکوینی و تشریحی انبیا و ائمه علیهم‌السلام به‌سوی صراط مستقیم هدایت شده‌اند و براساس آیه شریفه *وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِي اسْتَضَعْنَا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ*؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم (قصص، ۵). این تکوین عالم است که مؤمنان مسلط بر زمین شوند؛ از این رو، مردم (مؤمنان) در حکومت اسلامی باید - در قالب امام و امت - اساسی‌ترین نقش را در تحقق حکومت حق و از بین بردن سلطه کفار، ایفا کنند.

بدین سبب قاعده نفی سبیل که به دنبال نفی و نهی هرگونه تسلط کفار بر مؤمنان و جامعه آنهاست، حقیقتی است که از دیدگاه امام خمینی ره هم بعد تکوینی و هم بعد تشریحی را شامل می‌شود. بعد تکوینی، دلالت بر نظام طراحی‌شده از جانب خداوند و بعد تشریحی شامل دستورالعمل‌هایی است که وضعیت مؤمنان و جامعه آنها را با نظام طراحی‌شده از سوی خداوند منطبق و سازگار می‌کند؛ اما تحقق حقیقت نظام تکوینی نیازمند اقداماتی است تا ظهور یابد و این اقدامات باید از سوی حکومت و مردم در جامعه اسلامی از طریق بعد تشریحی محقق شود. درحقیقت، به‌واسطه سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح در بعد تشریحی، بعد تکوینی قاعده نفی سبیل در پرتوی نظام تشریحی محقق می‌شود و از طرفی سیاست‌گذاری فرهنگی صحیح در بعد تشریحی از دو جنبه قابل بحث است:

#### ۲-۳-۱. جنبه اول: سیاست‌گذاری ایجابی

وظیفه این جنبه آن است تا از طریق سیاست‌گذاری دقیق و اصلاح جزئیات سیاست‌های متناسب با شرع مقدس اسلام، به‌گونه‌ای عمل شود که جامعه اسلامی به سمتی نرود که کفار بر آن مسلط شوند؛ در این جنبه هم حکومت و هم مردم (مؤمنان) در جمهوری اسلامی، نقش‌هایی برعهده دارند و سیاست‌گذاری در آن بیشتر بر رویکردهای ایجابی متمرکز است و نوعی همسویی در جهت ایستادگی در برابر استکبار جهانی در اقدامات سازمان‌های مختلف فرهنگی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود تا با شناسایی اصلی‌ترین تهدید در عرصه فرهنگ - یعنی کفار - سایر ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی در ایران اسلامی از جمله تنوع فرهنگی، تنوع قومی - محلی، همسایگی با کشورهای مختلف اسلامی و... به‌عنوان یک فرصت و ابزار مفید در جهت تقویت و توسعه



فرهنگی ملی و اسلامی تلقی شوند و در واقع بنای آن بر اقدامات تربیتی و هدایتی حوزه فرهنگ استوار است.

از جمله اقداماتی که حکومت اسلامی در این زمینه می‌تواند انجام دهد عبارت‌اند از:

- مشخص کردن و تقویت نهادی مستقل - یا در صورت نیاز ایجاد آن - برای تشخیص سبیل و سلطه فرهنگی بر جامعه اسلامی در حوزه‌های مختلف که وظیفه نظارت و انطباق سیاست‌های فرهنگی کشور با رویکردی سیستمی و یکپارچه جهت اصلاح حرکت فرهنگی جامعه را عهده‌دار باشد (بخش عمده این وظیفه از لحاظ قانونی در حال حاضر بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است)؛

- وحدت بخشی به سیاست‌های فرهنگی نهاد‌های مختلف سیاست‌گذار با ارائه چارچوب مقتضی بر اساس قاعده نفی سبیل؛

- فرهنگ‌سازی برای شناساندن قاعده نفی سبیل به جامعه در عرصه فرهنگی از طریق فعالیت در سطوح خانواده، مدرسه، مراکز آموزشی، رسانه و...؛

- اقدام به تشکیل و تأسیس نهاد یا نهادهایی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی با عضویت فعال کشورهای اسلامی در زمینه تدوین سیاست‌های مشترک فرهنگی با همکاری کشورهای اسلامی، در سایه همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه و در راستای ایجاد ابزارهای سیاستی برای نفی سبیل کفار بر جوامع اسلامی و ایجاد نوعی قطب فرهنگی با محوریت ارزش‌های اسلامی در جهان.

همچنین مردم هم از نظر ایجابی برای تحقق قاعده نفی سبیل وظایفی بر عهده دارند که برخی آنها عبارت‌اند از:

- انتخاب افراد مؤمن و معتقد به نفی سبیل کفار در قوای مقننه و مجریه برای تدوین و اجرای قوانین مبتنی بر قاعده نفی سبیل؛

- یاری رساندن به سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌ها، با مشارکت فعال در مجامع و فعالیت‌هایی از جمله شرکت در راهپیمایی، انتخابات و... که منجر به ثبات حرکت جامعه در راستای نفی سبیل کفار می‌شود؛

- اجتناب از فعالیت‌ها و اقداماتی که می‌تواند زمینه سلطه کفار در حیات اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌کند؛ زیرا حکومت اسلامی تشخیص بسیاری از مصادیق را به مردم جامعه اسلامی واگذار کرده و بنابر فتوای امام خمینی<sup>ع</sup>، توجه به مصادیق، بر عهده خود مکلف است؛

- امر به معروف با رویکرد تربیتی و پیشگیرانه، برای تحقق بُعد ایجابی سیاست‌گذاری فرهنگی در راستای قاعده نفی سبیل است.

## ۲-۳-۲. جنبه دوم: سیاست‌گذاری سلبی

جنبه دیگر سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی آن است که سیاست‌گذاران با مشارکت فعال مؤمنان در جامعه، افزون بر وضع سیاست‌های فرهنگی با رویکرد ایجابی و تربیتی، از طریق اقدامات سلبی که در راستای رفع موانع و ایجاد استقلال از وابستگی‌هاست برای ایجاد و گسترش استقلال جامعه اسلامی از کفار تلاش کنند و اقداماتی در راستای رفع موانع برای بروز جنبه تکوینی نفی سبیل در سیاست‌گذاری با رویکرد سلبی انجام دهند؛ چراکه عدم سلطه کفار، یک حقیقت و تکوین است و اگر مانعی در راه این حقیقت نباشد، کفار سلطه‌ای ندارند. این الگو مطابق الگویی است که در رابطه با جهاد بیان می‌شود که جهاد برای مؤمن کردن مردم نیست بلکه برای برداشتن موانع است تا ایمان و پیام آن به مردم برسد (شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۶).

مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند. دین حق را در عالم منتشر کنند. آنها مانع بودند... این مانع را باید برداشت تا به مقصد رسید. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۱)

این موانع در صورتی که مرتفع نشوند، باعث ظهور تصویری ناشایست در جامعه شده که حاکمیت اسلامی، مردم را به زور به سمت حق و ارزش‌های آن سوق می‌دهد و این تصور، باعث خارج شدن مردم از حال فطری‌شان و ایجاد شرایطی که واقعیت‌ها در ذهن مردم به صورت قلب جلوه کرده تا آنجا که مسیر سلطه کفار بر جامعه اسلامی فراهم آید؛ از این رو، اگر در جامعه اسلامی به گونه‌ای عمل شود که موانع حق، زدوده شود، مردم عادی نیز مبتنی بر فطرت مشترک انسانی، سیاست‌ها و قوانین جامعه مؤمنان را خواهند پذیرفت و جنبه تکوینی قاعده نفی سبیل با نصرت الهی به دست می‌آید.

با نگاه جامع به سیره و کلام امام، اقدامات عملی حکومت اسلامی در بُعد سلبی سیاست‌گذاری فرهنگی برای نمایان شدن حقیقت و تکوین ابعاد فرهنگی اسلام در جامعه را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

### الف) گفتمان‌سازی شکست‌ناپذیری اسلام

مهم‌ترین وظیفه سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در بُعد سلبی باید معطوف به روشن‌گری و آگاهی‌بخشی نسبت به قواعد حاکم بر نظام خلقت و همچنین شناساندن حقایق عالم تکوین به خصوص نفی سبیل کفار بر مؤمنان و پیروزی نهایی حق در مبارزه حق و باطل برای مردم و توسعه باور و اراده مردم برای همراهی با حکومت اسلامی در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد (عیسی‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۵-۶۲).

البته تحقق گفتمان شکست‌ناپذیری اسلام در کلام امام علیه السلام نیازمند مقدمات و لوازمی همچون پایبندی به مذهب، اطاعت از قوانین الهی و اتحاد است که اگر نباشند، نفی سبیل کفار و پیروزی نهایی مؤمنان محقق نخواهد شد و درواقع، امکان رفع موانع وجود نخواهد داشت. امام خمینی علیه السلام درباره مقدمات مزبور فرموده‌اند:

- راه‌هایی هر ملتی از چنگال استعمار، مذهب است که ریشه در عمق جان آن ملت دارد (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۲۳).

- سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست و بنابراین، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می‌کنند، قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرتهای استبدادی و استعماری آغاز می‌شود (همان، ج ۵: ۳۸۸).

اسلام می‌گوید شما با هم متحد باشید و اگر متحد باشید هیچ کشوری به شما نمی‌تواند تعدی کند (همان، ج ۱۵: ۴۵۳).

### ب) دشمن‌شناسی

از مشکلات سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در بُعد سلبی، ضعف عمومی جامعه در دشمن‌شناسی است که مانعی برای شناخت راه صحیح در نگاه مردم است. از مصادیق بارز این ضعف، عدم درک دقیق از تهاجم فرهنگی در جامعه است به طوری که بخشی از مردم همه ابعاد صحنه فرهنگی کشور را عادی می‌بینند. درحالی‌که بر مبنای اندیشه امام علیه السلام، دشمن اصلی و خطر عمده را در مراحل گوناگون زندگی سیاسی باید بازشناخت و متناسب با آن، به مقابله با توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن همت گماشت و

نباید در دام مشغولیت به مسائل حاشیه‌ای و فرعی و فراموشی دشمن اصلی گرفتار شد، بلکه تکیه‌گاه‌ها و نقاط درخور اتکا و اعتماد و مراکز و منابع تأمین نیرو و امکانات جبههٔ اسلام و انقلاب را در مقابله با دشمن، به‌خوبی شناخت و از تمامی آن امکانات به‌درستی بهره جست (رجبی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲).

امام خمینی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: باید متوجه باشید، باید دشمنانتان را بشناسید، اگر شناسید نمی‌توانید دفعش کنید (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۴۶۳).

ایشان همچنین مصداق دشمنان را نیز مشخص کرده و در این رابطه بیان می‌کنند: مسلمانان، از هر ملت و مذهب که هستند، باید به‌خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله و سلم، ابرقدرت‌ها، خصوصاً آمریکا و ولیدهٔ فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته‌اند (همان، ج ۱۹: ۲۸).

### ج) نهی از منکر

در جنبهٔ سلبی سیاست‌گذاری فرهنگی، افزون بر حکومت اسلامی، مردم (مؤمنین) نیز وظایفی برعهده دارند که مهم‌ترین آن، نهی از منکرات در جامعه است؛ نهی از منکر به‌معنای جلوگیری از مفاسد بوده و از دستورات مهم دین اسلام و از واجبات آن به‌شمار می‌آید که با انجام آن توسط مردم، زمینهٔ رفع موانع و تحقق بُعد تکوینی قاعدهٔ نفی سبیل ظهور می‌یابد. اهمیت این امر در کلام امام علیه السلام تا آنجاست که ایشان تحقق جمهوری اسلامی را وابسته به این مهم می‌دانند و در این رابطه می‌فرمایند:

وقتی یک کشوری ادعا می‌کند که «جمهوری اسلامی» است و می‌خواهد جمهوری اسلامی را متحقق کند، این کشور باید همهٔ افرادش آمر به معروف و ناهی از منکر باشند. اعوجاج‌ها را خودشان رفع بکنند... ما همه امروز وظیفه داریم؛ امر به معروف و نهی از منکر بر همهٔ مسلمین واجب است (همان، ج ۱۳: ۴۶۹).

البته رویکرد امام در رابطه با چگونگی و شرایط این مهم برای مؤمنان بسیار موسع است (ر.ک: امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷) و لذا مؤمنان باید برای تحقق صحیح آن، توجه ویژه داشته و مهارت صحیح را به‌دست آورند.

### ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی، به‌خصوص در دیدگاه امام خمینی علیه السلام، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعهٔ

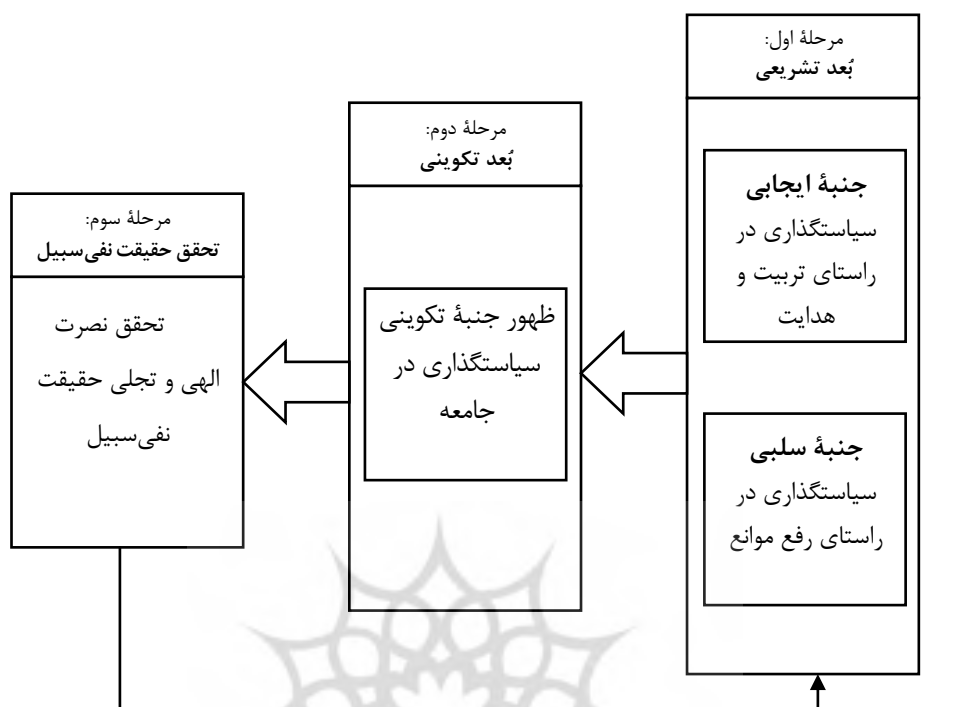
اسلامی و برتری کفار بر مسلمانان چه در نظام تکوین و چه تشریح ممکن و پذیرفتنی نیست. با بررسی دیدگاه‌های ایشان نسبت به سیاست‌گذاری و قاعده نفی سبیل، بحث شکل‌گیری ابعاد تشریحی و تکوینی قاعده نفی سبیل در سیاست‌گذاری فرهنگی شکل می‌گیرد.

بر اساس نگاه امام علیه السلام، گرچه سیاست‌گذاری‌ها برای تحقق نفی سبیل کفار بر بُعد تشریحی استوار است، اما در سیاست‌گذاری فرهنگی می‌توان با وضع و پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب در بُعد تشریحی، به تحقق بُعد تکوینی که اثربخشی بیشتری دارد، دست یافت. در واقع سیاست‌گذاری فرهنگی در بُعد تکوینی با تکیه بر اقدامات بُعد تشریحی صورت می‌گیرد؛ از این رو، باید اقدامات لازم در بُعد تشریحی که شامل دو جنبه ایجابی و سلبی است، محقق شود و باید به صورت توأمان به آنها توجه کرد.

در جنبه ایجابی، محور اصلی اقدامات حکومت اسلامی بر گسترش اقدامات تربیتی و توسعه سیاست‌هایی است که از تسلط کفار جلوگیری کند و در این راستا باید حکومت اسلامی ظرفیت‌های لازم جهت نهادسازی، وحدت‌بخشی به سیاست‌های فرهنگی، فرهنگ‌سازی و فعالیت‌های فراملی را در دستور کار تحقق بُعد ایجابی قرار دهد. همچنین مردم در این زمینه می‌بایست قانونگذاران و مجریان صالح انتخاب کنند تا بدین وسیله گام اصلی در عدم سلطه کفار و وابستگان به آنها فراهم گردد؛ از دیگر اقداماتی که مردم باید بدان همت گمارند، توسعه ایمان شخصی برای عدم تسلط فرهنگ تبرج‌یافته کفار بر آنها و همچنین امر به معروف در جامعه است.

در بُعد سلبی سیاست‌گذاری فرهنگی، محوریت باید بر رفع موانع وابستگی باشد که این مهم از دیدگاه امام علیه السلام، باید با گفتمان‌سازی شکست‌ناپذیری اسلام، دشمن‌شناسی از سوی حکومت اسلامی و نهی از منکر توسط مردم (مؤمنین) در جامعه اسلامی محقق می‌گردد.

تحقق توأمان جنبه‌های ایجابی و سلبی قاعده نفی سبیل در سیاست‌گذاری فرهنگی، منجر به پیدایش جنبه تکوینی نفی سبیل می‌شود که به واسطه آن، جامعه اسلامی مستحق نصرت الهی شده و جهشی اثربخش در نتیجه سیاست‌گذاری‌ها محقق خواهد شد.



شکل ۱- چارچوب سیاستگذاری فرهنگی مبتنی بر قاعده نفی سبیل بر مبنای اندیشه امام خمینی\*

همچنین از دیگر دستاوردهای باور به بُعد تکوینی قاعده نفی سبیل آن است که به واسطه باور مردم و سیاست گذاران به تکوین قاعده نفی سبیل مبنی بر اینکه امکان تسلط کفار بر مؤمنان وجود ندارد، سیاست‌هایی جسورانه، امیدوارانه و مطابق با آرمان‌های انقلاب اسلامی تدوین خواهد شد و درعین حال به واسطه امید و باور نسبت به پیروزی مؤمنین، اجرای آنها اثربخش‌تر می‌شود و منجر به ایجاد چرخه‌ای خود تقویت‌شونده از ترکیب همزمان جنبه تکوینی برای تقویت جنبه‌های ایجابی و سلبی بُعد تشریحی خواهد شد.

تحقق بُعد تکوینی در موارد متعددی از رویدادهای اجتماعی - فرهنگی بستر انقلاب اسلامی نمایان است، به طوری که با گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی و با وجود همه پروپاگاندای رسانه‌ای غرب، انقلاب اسلامی به حرکت خود ادامه می‌دهد و ثمردهی اقدامات در بستر انقلاب اسلامی هرگز با سیاست‌گذاری تشریحی صرف محقق نشده بلکه به واسطه بُعد تکوینی قاعده نفی سبیل در جامعه بوده است. از مصادیق این مسئله می‌توان به یوم‌الله‌های متعددی از قبیل راهپیمایی ۹ دی ۱۳۸۸، مراسم تشییع شهدا، راهپیمایی‌های

۲۲ بهمن و... اشاره کرد که مردم به‌واسطه تکوینی بودن عدم تسلط کفار بر مؤمنین و نصرت الهی، حضور یافته و بساط کفار را از بین برده‌اند. درحالی‌که عدم اقدام به سیاست‌گذاری تشریحی در ابعاد سلبی برای رفع موانع در بخش‌های متعددی از زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، باعث شده تا موانع موجود بر سر راه بُعد تکوینی نفی سبیل مرتفع نشوند و کشور در برخی زمینه‌ها پیروز نباشد.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *محمد بن علی (۱۴۱۳)*، من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور (جمال الدین، محمد بن مکرم) (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، پانزده جلدی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر، چاپ سوم.
۵. ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۱۷ق)، «فراتر از روش آزمون و خطا»، به نقل از روزنامه *ثریا*، سال دوم، شماره ۱۳.
۶. ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۵)، *شناخت فرهنگ*، تهران، عرش پژوه.
۷. احمدوند، محسن، سید محمدتقی قبولی درافشان و محمدتقی فخلعی (۱۳۹۵)، «نگرشی نو در مفاد قاعده نفی سبیل و نسبت سنجی آن، با اصل عدالت در روابط بین المللی»، *مجله کاوشی نو در فقه*، سال ۲۳، شماره ۱، ۱۲۳-۱۴۹.
۸. امام خمینی علیه السلام، سیدروح الله (۱۳۷۷)، *امربه معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی علیه السلام* / (تبیان: آثار موضوعی؛ دفتر بیست و یکم) (ویرایش ۲)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، *جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام* (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، ج ۳، ۱۲-۱۵، ۱۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱. اندرسون، جمیز (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری عمومی»، ترجمه کیومرث اشتریان، *فرهنگ و اندیشه*، سال ۵، شماره ۱۸، ص ۱۰-۴۴.
۱۲. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۰ق)، *المکاسب*، بیروت، نعمان.
۱۳. بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۴۲۶)، *القواعد الفقهیه*، ج ۱، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی، قم، منشورات دلیل ما.
۱۴. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول.
۱۵. تابان، محمد، اردشیر شیری، مهدی اکبرنژاد و صفورا یوسفیان (۱۳۹۵)، «نظام‌سازی اسلامی در حوزه اجتماعی از منظر علم مدیریت و فقه اسلامی»، *مجله پژوهش‌های علم و دین*، سال ۷، شماره ۱۴، ص ۲-۲۴.



۱۶. ثعالبی، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۷. جمشیدی‌ها، غلامرضا و قاسم زائری (۱۳۸۷)، «سیاست‌گذاری فرهنگی پیامبر اسلام ﷺ»، *مجله زن در توسعه و سیاست*، سال ۶، شماره ۴، ص ۳۸-۵.
۱۸. جوزی، زهرا (۱۳۹۳)، *تبیین فلسفی - عرفانی تطابق عالم تکوین و تشریح*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۱۹. حسنی، محمد (۱۳۸۳)، «دیدگاه ارزش‌شناسی محمدحسین طباطبایی»، *مجله مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۸۰، ص ۱۹۹-۲۲۴.
۲۰. خان‌محمدی، یوسف (۱۳۸۶)، «دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی ﷺ»، *مجله مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۳۸-۴.
۲۱. خانی، حسین (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های نظری اقتدار ملی در سیاست خارجی اسلامی، با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی ﷺ»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۳، شماره ۴۹، ص ۱۶۹-۱۴۹.
۲۲. دروزه، محمدعزت (۱۳۸۳ق)، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار إحياء الكتب العربیه.
۲۳. رجبی (دوانی)، محمدحسن (۱۳۷۸)، *زندگینامه سیاسی امام خمینی ﷺ*، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. رضایی، مجید و سیدمحمدعلی هاشمی (۱۳۹۱)، «بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه امام خمینی ﷺ»، *پژوهشنامه متین*، سال ۱۴، شماره ۵۷، ص ۸۶-۶۲.
۲۵. رضایی، محمد، نفیسه حصارکی و محمدعلی خلیلی اردکانی (۱۳۹۸)، «سه اپیزود انقلاب فرهنگی: از پیدایی تا نهادینگی»، *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۱۱۷-۱۴۶.
۲۶. زارعی، بهادر، علی زینی‌وند و کیمیا محمدی (۱۳۹۳)، «قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۱۱، شماره ۳۶، ص ۱۶۷-۱۸۲.
۲۷. سورآبادی، ابوبکر عتیق‌بن محمد (۱۳۸۰)، *تفسیر سور آبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول.
۲۸. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵ق)، *مبانی الفقه‌الفعال فی القواعد الفقهیه الأساسیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
۲۹. سیمایی صراف، حسین (۱۳۷۹)، «بررسی قاعده نفی سبیل و بعضی از نمودهای آن در فقه و حقوق»، *نشریه دادرسی*، شماره ۲۰، ص ۲۴-۲۷.
۳۰. شاهرودی، محمدرضا، امیر پهلوان منصور و علی‌اکبر احمدی (۱۳۹۶)، «جهاد و اسارت از دیدگاه قرآن و اهل بیت ﷺ»، *انگیزه‌ها و اهداف*، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۵۰، شماره ۲، ص ۲۲۷-۲۴۹.

۳۱. شایق، حافظه، محمود حایری و علی تولایی (۱۳۹۰)، «تأملی در تأثیر قاعده نفی سبیل بر احکام خانواده»، *مجله پژوهش های فقهی*، دوره ۷، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۳۸.
۳۲. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی (چهار جلدی)*، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
۳۳. شکاری، روشنعلی، سیدحمیدرضا ملیحی و محمدسعید ممتازنیا (۱۳۹۶)، «واکاوی فقهی آیه نفی سبیل و ادله هم سو و شمول آن نسبت به مناصب انتخابی در دولت مدرن»، *پژوهشنامه قرآن و حدیث*، دوره ۱۱ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶)، شماره ۲۱، ص ۴۶-۳۱.
۳۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی، *اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*، مصوب ۱۳۷۱.
۳۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۲۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲ش)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، انتشارات صدرا.
۳۷. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، «قاعده نفی سبیل»، *مجله مقالات و بررسی ها*، دفتر ۷۶، شماره ۳، ص ۲۳۲-۲۵۳.
۳۸. عیسی نیا، رضا (۱۳۸۶)، *انقلاب و مقاومت اسلامی در سیره امام خمینی*، تهران، نشر عروج.
۳۹. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۵۱)، *احیاء علوم الدین* (۸ جلدی)، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی به کوشش حسین خدیوچم، تهران، انتشارت بنیاد فرهنگ ایران.
۴۰. فارابی، ابونصر (۱۳۷۶)، *السیاسة المدنیة*، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران، سروش.
۴۱. فاضل جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۵)، *مسالك الأفهام الی آیات الأحکام*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم.
۴۲. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق)، *القواعد الفقهیه (للفاضل)* (یک جلدی)، قم، چاپخانه مهر، چاپ اول.
۴۳. فخررازی، محمد (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۴۴. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن* (۷ جلدی)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
۴۵. قطب، سید (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، چاپ هفدهم.
۴۶. کوش، دنی (۱۳۸۱)، *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*، ترجمه فریدون وحید، تهران، سروش.
۴۷. گوردون، کریستوفر و سایمون ماندی (۱۳۸۳)، *دیدگاه های اروپایی سیاست فرهنگی*، ترجمه هادی غبرایی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۴۸. محقق حلی، (۱۴۰۹ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحرام والحلال*، با تعلیقات شیرازی، تهران، استقلال.

۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «نقش حوزه علمیه در سیاست‌گذاری فرهنگی»، *مجله پاسدار اسلام*، شماره ۳۵۶، ص ۱۲-۱۳.
۵۰. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (۱۴ جلدی)، تهران، مرکز الکتاب لترجمه و النشر، چاپ اول.
۵۱. مصلابی پور، عباس (۱۳۹۴)، «الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی در قرآن کریم»، *دوفصلنامه قرآن و روشنگری دینی*، دوره ۲، شماره ۳، ص ۷۶-۵۷.
۵۲. مقتدایی، مرتضی و علیرضا ازغندی (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال ۱۲، شماره ۳۴، ص ۲۶-۲۷.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰ش)، *القواعد الفقهیه*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۵۴. ملکی، محمد (۱۳۸۱)، «دانشجویان و انقلاب فرهنگی»، *مجله بازتاب اندیشه*، شماره ۳۲، ص ۵۰-۴۶.
۵۵. موسوی خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، *منهاج الصالحین*، قم، مهر.
۵۶. وحدتی، مهرداد (مترجم) (۱۳۹۵)، *صنایع فرهنگی: مانعی بر سر راه آینده فرهنگ*، ترجمه از انتشارات یونسکو، تهران، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.
۵۷. هاشمی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۴)، «بازخوانی قاعده نفی سبیل»، *دوفصلنامه دین و دنیای معاصر*، دوره دوم، شماره اول، ص ۱۷-۳۰.
۵۸. همایون، محمدهادی و نادر جعفری هفتخوانی (۱۳۸۷)، «درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی درس‌هایی برای سیاست‌گذاران»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی* (اندیشه مدیریت)، سال ۲، شماره ۲، ص ۳۵-۵.
۵۹. یاقوتی، ابراهیم و فاطمه عرب احمدی (۱۳۹۸)، «آزادی مقاومت در اندیشه فقه سیاسی انقلاب اسلامی ایران با رویکرد بر نظر امام خمینی»، *نشریه متین*، دوره ۲۱، شماره ۸۴، ص ۱۷۱-۱۵۲.
60. Devlin, R., & Pothier, D. (Eds.) (2006), **Critical disability theory: Essays in philosophy, politics, policy, and law**. UBC press.
61. Krone, R. (1980), **System Analysis and Policy Sciences**, USA, John Whley and sons.
62. McConnell, A. (2010), **Understanding Policy Success: Rethinking Public Policy**. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
63. Peters, g., & Pierre, J. (Eds.) (2006), **Handbook of Public Policy: Sage Publication**.
64. Sabatier, P.A., and Weible, C.M. (2005) "Innovations in the advocacy coalition framework". Paper presented at the American Society for Public Administration.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی